



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی جایگاه معلمان در پی ریزی سیاست‌گذاری در نظام آموزش و پرورش

سید ابراهیم حصار

کارشناسی علوم تجربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد امیدیه

S.ebrahim12@gmail.com

چکیده

در پرتو اهمیت نقش معلم در پیشبرد اهداف و سیاست‌های آموزشی، بررسی جایگاه او در فرایند پی‌ریزی سیاست‌های آموزشی و پرورشی امری حیاتی است. معلم به عنوان مهم‌ترین عامل در فرآیند آموزش و پرورش دارای نقش کلیدی است و تأثیر مستقیمی بر کیفیت و اثربخشی آموزش دارد. او نه تنها مسئولیت انتقال دانش و مهارت‌ها به دانش‌آموزان را دارد، بلکه نقش او در تربیت شاگردان و شکل‌دهی به شخصیت‌های آینده جامعه نیز بسیار حیاتی است. در این راستا، پی‌ریزی سیاست‌های آموزشی به عهده معلمان است که با توجه به تجربیات و دانش خود، به بهبود فرآیند آموزشی و ارتقاء سطح علمی و فرهنگی دانش‌آموزان می‌پردازند. این فرآیند شامل تدوین برنامه‌های درسی، انتخاب روش‌های آموزشی مناسب، ارزیابی عملکرد دانش‌آموزان و ارائه پیشنهادهای بهبود آموزشی است. همچنین، معلمان با داشتن ارتباط مستقیم با دانش‌آموزان و خانواده‌ها، می‌توانند نیازها و مشکلات آموزشی را شناسایی و راه‌حلی برای آن‌ها ارائه دهند. از این رو، توجه به نقش و جایگاه معلم در فرآیند پی‌ریزی سیاست‌های آموزشی و پرورشی می‌تواند بهبود و پیشرفت قابل توجهی در سیستم آموزش و پرورش به همراه داشته باشد. هدف این مقاله توصیف نقش معلمان و مربیان و سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی به موضوع پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: معلمان، مربیان، سیاست‌گذاری، نظام آموزش و پرورش.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

آموزش و پرورش به عنوان ستون اساسی توسعه اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی هر جامعه محسوب می‌شود. اینکه چگونه آموزش و پرورش در فرآیند تربیت افرادی با انگیزه، دانشمند، متعهد، و ماهر نقش دارد، نشان دهنده اهمیت بی‌نظیر آن است. برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها در بخش آموزش برای پیشرفت و توسعه کشور ضروری است؛ زیرا تنها با تدوین و اجرای برنامه‌های هوشمند می‌توان به نابسامانی‌ها پایان داد و شرایط زندگی مادی و معنوی را بهبود بخشید. سیاست‌گذاری مرحله اول چرخه برنامه‌ریزی است و برنامه‌های توسعه فرصتی را برای رهبران و مدیران ارائه می‌دهد تا آنها به طرح‌های آینده‌نگاهی داشته و بر اساس آن، بینش‌ها و رهنمودهای جدید را در تدوین اهداف و برنامه‌ها در نظر بگیرند و طرح‌هایی برای آینده را به ارمغان بیاورند.

عوامل زیادی در سیاست‌گذاری آموزشی تاثیر داشته که در این بین نقش معلمان و دانش‌آموزان بیش از پیش پر رنگ تر از سایر عوامل می‌باشد که توجه به آنها حائز اهمیت است چرا که آموزش و پرورش نیاز به تغییر تحول و توسعه دارد. در بخش معلمان با مواردی چون، ارتقاء منزلت اجتماعی و سازمانی معلمان از طریق حرفه‌ای و تخصصی شدن معلمی و اشتغال تمام وقت معلمان و بازنگری اساسی در نظام پرداخت حقوق و مزایا و ارائه تسهیلات و امکانات رفاهی و معیشتی، تدوین نظام جامع‌گزینش و جذب نیرو بر اساس معیارهای علمی، تحول در رویکردها و برنامه‌های تربیت معلم و حذف رویکردهای بوروکراتیک و تحقیرکننده معلمان در نظام اداری، برگزاری مجامع عمومی معلمان؛ تهیه کتب؛ تهیه سی دی‌های کمک آموزشی؛ بازدید از مراکز صنعتی علمی و تحقیقاتی؛ اجرای برخی جشنواره‌ها، بستر سازی لازم جهت الزام به آشنایی معلمان با روشهای جدید یاددهی و یادگیری و ارزشیابی مستمر و روز آمد کردن اطلاعات معلمان از طریق آموزش، بستر سازی لازم در خصوص آشنایی اعضای گروهها و معلمان با نوآوری‌های آموزشی، طراحی فرایند سیستم تشویق گروههای فعال؛ خالق و کارآمد در مدارس و ادارات آموزش و پرورش از جمله سیاست‌های آموزش و پرورش می‌باشند که در زمینه رشد معلمان می‌بایستی مورد توجه ویژه قرار گیرد. (مشکانی، اکبری، فضائی، گاه، ۱۳۹۵)

با توجه به اینکه وظیفه اصلی آموزش و پرورش، تربیت معلمان برای هدایت و انسان‌سازی است و این امر مستقیماً به دانش‌آموزان یک جامعه بر می‌گردد، لازم است تا این قشر عظیم در جامعه بیشتر تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند.

همچنین لازمه موفقیت تلاشهای انجام شده در زمینه بهسازی آموزش و پرورش توسعه حرفه‌ای و افزایش دانش و مهارت معلمان است. از این رو در دهه گذشته، کانون بحث و گفت‌وگو پیرامون کیفیت مدارس اثربخش، هرچه بیشتر متوجه توسعه حرفه‌ای معلمان بوده است (دنيس کمپ، ۲۰۱۰)

معلمان، نه تنها یکی از متغیرهای نیازمند تغییر به منظور بهبود سیستمهای آموزشی هستند بلکه مهمترین عامل ایجاد کننده تغییر نیز محسوب میشوند. این وضعیت دوگانه معلمان در اصلاحات آموزشی، به عنوان یکی از عناصر اصلی و مجری تغییرات، توسعه حرفه‌ای معلمان را به حوزه‌های در حال رشد و چالش برانگیز تبدیل نموده است (ویال، ۲۰۱۵).

از این رو پژوهش حاضر به بررسی نقش معلمان در سیاست‌گذاری در آموزش پرورش می‌پردازد. همچنین در این پژوهش ضمن اشاره به تاریخچه سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش به عوامل موثر و تاثیرگذار در سیاست‌گذاری و نقش حرفه‌ای معلمان پرداخته و در پایان نیز به اختصار به تشریح فرایند و اصول سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش پرداخته شده است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یافته ها

تاریخچه سیاست گذاری

تغییر در سیاست های آموزشی و پرورشی، نخستین بار مورد توجه میشل فوکو در اثر مهم وی با عنوان «مراقبت و تنبیه قرار گرفت. دیرینه شناسی فوکو از آموزش و پرورش وی را رهنمون به این امر نمود که گسترش دموکراسی مرهون دموکراتیک شدن آموزش و پرورش است. وی با مثال های متعدد خویش این مسأله را بررسی می نماید. اما از آنجا که فوکو در اوایل آغاز دوره جهانی شدن چشم از جهان فرو بست، نتوانست آنچه در تغییر سیاست های آموزش و پرورش به واسطه توسعه جهانی شدن در تمامی حوزه ها رخ می دهد را درک نماید. (جهانیان، محجوبی، ۱۳۸۹، ۱۹۰). از آنجایی که معلم یکی از مهمترین نقش ها را در سیاست گذاری در امر آموزش ایفا می کند. همواره مورد توجه برنامه ریزان و سیاست مداران کشورهای توسعه یافته جهان قرار گرفته است. به طوری که اتحادیه معلمان قدمتی بیش از یکصد و پنجاه ساله در امریکا دارد. سازماندهی انجمن معلمان دولتی در سال ۱۸۵۰ انجام شده و اولین انجمن ملی معلمان در سال ۱۸۵۷ به نام انجمن ملی معلمان در کشور امریکا تاسیس و راه اندازی گردید. این گروه اولیه در جهت خدمت رسانی به معلمان و مدافعانی حرفه ای و سیاسی برای معلمان تشکیل گردیده است و در کشور امریکا به آموزگاران کمک می کردند تا آموزش حرفه ای ببینند (هولکوم ۲۰۰۶). فدراسیون معلمان در سال ۱۹۱۶ با هدف بیان منافع معلمان کلاس درس و در جهت مذاکرات و تعاملات با مدیران منطقه ای و ایالتی تشکیل گردید. در نتیجه اعتصاب اتحادیه معلمان نخستین توافقنامه جمعی (C.B.A) بین اتحادیه معلمان و مدیران منطقه در سال ۱۹۶۲ در شهر نیورک منعقد شد. در دهه های پس از آن اتحادیه معلمان از نظر اندازه و منابع پیشرفتی قابل ذکر داشت. امروزه بیش از حد عضویت و مشترک دارند و در حدود چهار میلیون مددکار خدمات آموزشی عضو هستند و اتحادیه بخش عمومی در فعالیت های لابیگری فدرال شرکت و بیش از هر چیز دیگری هزینه می کنند. (ماری و سیمون ۲۰۱۷). آموزش در ایران را می توانیم به سه دوره پیش از ظهور اسلام، بعد از ظهور اسلام و دوران معاصر تقسیم نماییم (نیاز آذری، شاد، ربیعی، ۲۱۳، ۱۳۹۰). ایران یکی از کشورهای باستانی و متمدن جهان است تمدن و فرهنگ با آموزش و پرورش ارتباط تنگاتنگی دارد. به همین جهت آموزش و پرورش از کهن ترین زمان، تاکنون از مسائل مهم کشور ایران است. آموزش و پرورش به معنای عام آن جایگاه مشخصی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارد. در قانون اساسی آموزش و پرورش یکی از ضوابط اساسی برآورده کردن نیازهای انسانی در جریان رشد شناخته شده است و در معنای خاص آن نیز، دولت موظف شده است به منظور ریشه کن کردن فقر و محرومیت نیازهای اساسی آموزش و پرورش را تامین کند (قایدی، رستمی، محمدی، ۱۳۹۴). تاپیش از پیدایش علم سیاست‌گذاری، مطالعات سیاسی به تمرکز در زمینه های هنجاری و اخلاقی دولت و نهاد های سیاسی محدود شده بود. پژوهشگران با مطالعه آثار سیاسی بزرگان فلسفه غرب در جستجوی شناخت اهداف دولت و وظایفش در هدایت شهروندان به زندگی بهتر بودند. این پژوهش ها به توسعه و تکمیل مباحثی چون طبیعت جامعه، نقش دولت، حقوق و مسئولیت های شهروندان و دولت ها منتهی شد. گرچه پیدایش این علم، ریشه در آثار هارولد لسول و همکارانش در اوایل دهه ی پنجاه میلادی دارد، اما نهادینه شدن و گسترش این رشته در اواسط دهه ی ۶۰ آغاز شد. از این رو به دلیل شکاف فزاینده میان نظریه و عمل در رفتار سیاسی در علم سنتی سیاست بود که بسیاری از اندیشمندان را بر آن داشت تا برای بررسی سیاست ها به جستجوی روشهای دیگری بپردازند (نادری، نوروزی، سیادت، ۱۹، ۱۳۹۵).

در ایران نهادهای سیاست گذاری در نظام آموزشی به ترتیب عبارت بودند از:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

1- شورای عالی انقلاب فرهنگی که به عنوان بالاترین مرجع سیاستگزاری و برنامه ریزی آموزش عالی کشور انجام وظیفه می کرد.

2- وزارت فرهنگ و آموزش عالی ایران (علوم، تحقیقات، فناوری) که برای بررسی و ارائه هدف های اساسی و خط مشی های کلی و برنامه ریزی در همه سطوح آموزشی و پژوهشهای علمی و ایجاد هماهنگی میان آنها تشکیل شد.

3- دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی که زیر نظر هیأت امنای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی تشکیل می شوند.

شورای عالی آموزش و پرورش که مرجع سیاستگزاری در حوزه وظایف آموزش عمومی و متوسطه در چارچوب سیاستهای کلی نظام و قوانین و مقررات موضوعه است و سازمان اداری آن با بودجه و تشکیلات مستقل زیر نظر شورای عالی آموزش و پرورش فعالیت می کند. ریاست این شورا با ریاست جمهور است و در غیاب وی وزیر آموزش و پرورش ریاست آن را بر عهده خواهد داشت (نیاز آذری و دیگران، ۱۳۹۰، ۲۲۱).

سیاست گذاری در آموزش و پرورش

از آنجا که فرآیند سیاستگزاری، یک عنصر مهم در برنامه ریزی آموزشی است، تبیین مفاهیم "سیاست" و "سیاستگزاری" قبل از آنکه به مطالب دیگر بپردازیم، ضرورت دارد. وجود تعاریف متعدد و گوناگون از واژه "سیاست" امری قابل درک است. اما در این جا هدف از سیاست یک تعریف عملی و کارکردی است: سیاست، تصمیم گروهی یا انفرادی آشکار یا غیرآشکاری است که مجموعه ای از رهنمودها برای هدایت تصمیمات آینده، شروع یا کند نمودن یک اقدام، یا راهنمایی اجرایی در مورد تصمیمات قبلی را فراهم می آورد. سیاستگزاری، گام اول یک چرخه برنامه ریزی است و برنامه ریزان قبل از آنکه اجرا و ارزیابی یک فرآیند را به طور اثربخش طراحی کنند، باید یک ارزیابی پویا از چگونگی تنظیم سیاستها، به عمل آورند. اما سیاستها نیز بر حسب دامنه آنها، میزان پیچیدگی، محیط تصمیمگیری، حدود انتخاب و معیارهای تصمیمگیری، با یکدیگر تفاوت دارند: (وادای و دمسکی، ۱۳۸۸). بنابراین عنوان "سیاستگزاری" اصطلاحی عام است که علاوه بر دولت و بخش عمومی، در خصوص سازمانها، نهادهای بخش خصوصی و حتی اشخاص حقیقی نیز استفاده می شود. فرمانهای اجرایی روسای جمهور و سیاستهای شرکتهای خصوصی، هر یک نمونه هایی از سیاستگزاری به شمار می آیند. (ملکی، خسروی، نیسی نیا، ۱۳۹۵). توماس برکلند تاکید دارد؛ که تعریف واحدی از معنای عمومی در میان نظریه پردازان این رشته وجود ندارد. وی به چند تعریف به این شرح اشاره میکند: «سیاست عمومی همواره به مجموعه هایی از عمل دولتی و مقاصدی که ان اعمال را ایجاب می کند، اشاره دارد»؛ «سیاست عمومی، نتیجه برآیند و برونداد کشمکش در درون دولت بر سر این مساله است که چه چیزی از ان چه کسی است؟»؛ «سیاست عمومی عبارت است از: عملی که دولت تصمیم به انجام یا ندادن آن میگیرد»؛ «سیاست عمومی عبارت است از: تصمیمات سیاسی که دولت به منظور اجرا کردن برنامه هایی برای نیل به اهداف اجتماعی اتخاذ میکند»؛ «سیاست عمومی متشکل از مجموعه عملکردهای دولتی است که به طور مستقیم دولت، یا نمایندگان، آنها را اعمال میکنند و بر زندگی عامه مردم تاثیر میگذارد» (برکلند، ۲۰۱۰).

ویژگیهای آموزش و پرورش نوین با توجه به پدیده جهانی شدن در این موارد خلاصه می شود: آینده نگری و آینده شناسی. توجه و تأکید جدی به چهار رکن اساسی یادگیری؛ یعنی یادگیری برای زیستن، دانستن، انجام دادن و زیستن با یکدیگر؛ تعلیم و تربیت همه جانبه و استفاده از تمام ظرفیتهای انسانی؛ بهک ارگیری شیوه های فعال و مشارکتی در یادگیری؛ تأکید بر



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ضرورت پرورش تفکر جانبی و تفکر خلاق در دانش آموزان؛ تأکید بر ظرفیت روحانی بشر و بهره گیری از آن به عنوان مکمل ظرفیت عقلانی؛ توجه به ظرفیت یا توانایی شهود و درک شهودی و ضرورت حسن استفاده از آن در تعلیم و تربیت؛ استفاده از فناوری نوین اطلاعات؛ اتخاذ رویکردهای تلفیقی در آموزش و پرورش. هر یک از این موارد می تواند شاخصی اساسی برای تعیین میزان کارآمدی نظام آموزشی کشورها محسوب شود (نادری، نوروزی، سیادت، ۱۳۹۵).

برای ارائه مدل سیاستگزاری در آموزش و پرورش باید فرآیند سیاستگزاری را به عنوان سیستمی که متشکل از درونداد، میانداد، برونداد، بازخورد و سیستمهای احاطه گر است، در نظر بگیریم: در داخل سیستم، ابتدا باید سیاستگزاری به عنوان فرآیندی که مرجع تصمیم یا وظیفه هست، تعریف شود. تعریف سیاستگزاری به عنوان یک وظیفه، نشان از ایجاد جایگاه قانونی سیاستگزاری در ساختار است. سیاستگزاری به عنوان یک وظیفه، زمینه رویارویی موفق با محدودیتها و استفاده از فرصتها را فراهم میکند. (طالبی، سید نظری، سودی، ۱۳۹۵).

نقش معلم در سیاست گذاری

یکی از موضوعات مهم در اتخاذ سیاستهای آموزشی، توجه به منابع انسانی و در راس آن معلم است. از این رو برنامه های تربیت معلم ایستا و خطی، پاسخگوی نیازهای حرفه ای معلمی نیست و لازم است این برنامه ها با برنامه هایی جامع و کامل و پویا جایگزین شود. قرن بیست و یکم از معلم به عنوان کارشناسان یادگیری اثر بخش یاد شده است. چنین معلمی باید با برخورداری از توان فکری عمیق و انتقادی، درباره اهداف و ارزش های آموزشی و برنامه های درسی بیاندیشد و مشتاق تشویق و ایجاد انگیزه در تک تک دانش آموزان باشد..

همچنین منشأ ایجاد هر گونه تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش را باید در جایگاه و اعتبار محوری معلم جست و کرد پایگاه اجتماعی معلمان در کل از دو عامل متأثر می شوند: عواملی که به دلیل قرار گرفتن افراد در شغل مورد نظر یعنی معلمی مورد نظر است یعنی منزلت شغل و نظام یا نهاد آموزش و پرورش خود می تواند پایگاه منزلت معلمان که یکی از اجزای این مجموعه است را تغییر دهد. عامل دیگر و ویژگیهای شخصیتی و شخصی معلم است که ذهنیتی خاص در افراد جامعه در باره این فرد ایجاد میکند. عقیده معلم درباره شغل و خودش به چند عامل بر می گردد. از آن جمله می توان موارد زیر را نام برد: معلومات معلم، دلیل انتخاب شغلی، تخصصی در حرفه معلمی و سن معلم (روان، ۱۳۹۱).

نقش معلمان در آموزش، پیچیده ترین نقش است و نیازمند انعطاف پذیری و تطبیق با تغییرات وضعیتی چه در سطح محلی و ملی و چه در سطح جهانی و همچنین در موقعیت های کلاسی است. این پیچیدگی تجاربی را به وجود می آورد که با در هم آمیختن با سایر عوامل درک معلمان از نقش خودشان را شکل می دهد. سه حیطه آموزشی یعنی برنامه درسی، تدریس و در نهایت تربیت معلمان با یکدیگر و به صورت همه جانبه در فرایند سیاست گذاری شرکت دارند. (نادری، نوروزی، سیادت، ۱۳۹۵).

در آغاز هزاره ی سوم جوامع و مدارس بیش از گذشته در معرض تغییرات سریع و اساسی هستند و ضرورت ارزیابی و تداوم ارزیابی در مورد فلسفه ی آموزش و پرورش مطرح می گردد (نیاز آذری و دیگران، ۲۴۵، ۱۳۹۰).

یکی از مهمترین عوامل در آموزش و در زمینه سیاست گذاری و به کار گیری آن، موضوع زمان است وقتی به سه مقوله اصلی مرتبط با آموزش و سیاست گذاری توجه میکنیم یعنی سه مقوله برنامه ریزی درسی، تدریس و تربیت معلمان، زمان تاثیر زیادی پیدا می کند. زمان آموزش یا زمان تدریس همان زمان طی شده در کلاس است که معلمان به تدریس و دانش آموزان به یادگیری علم می پردازند. (نادری، نوروزی، سیادت، ۱۳۹۵).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نقش معلم در فراهم کردن زمینه های رشد عاطفی، عقلانی، اجتماعی و جسمانی تعیین کننده و اساسی است. معلم یکی از ارکان مدرسه است و وظیفه زمینه سازی برای تحقق نظام تربیت رسمی و عمومی را بر عهده دارد. با عنایت به یافته های فلسفه تربیت و نیز با توجه به معنای تربیت می توان معلم را راهنمای خردمند امینی دانست که وظیفه برنامه ریزی، آموزش، پشتیبانی، مشورت، بازخورد دادن و ترغیب دانش آموزان برای به چالش کشاندن موقعیت های کنونی جهت بسط و توسعه ظرفیت های وجودی را برعهده دارد. معلم باید قادر به تشخیص قابلیت ها و نقاط قوت و ضعف خود باشد و بتواند سطح بلوغ فکری و روانی خود را ارتقا دهد. بتواند برنامه های آموزشی و تربیتی خود را به گونه ای سازماندهی نماید تا زمینه برای رشد و توسعه ظرفیت های وجودی و دستیابی دانش آموزان به مراتب حیات طیبه فراهم شود. آنان باید از نظر جسمی، دانش و مهارت حرفه ای در سطح بالا قرار داشته و دائم مورد سنجش صلاحیت های حرفه ای قرار گیرند و استخدام آنان منوط به داشتن آمادگی در حد مطلوب باشد. آنان باید علاقه مند به تدریس بوده و نسبت به آن عشق و علاقه فراوان داشته و از طرفی سعی در روزآمد نمودن خود در کسب مهارت های مورد نیاز داشته باشند. معلم باید پژوهنده باشد، یعنی معلمی که از کنار مسایل آموزشی و تربیتی به سادگی عبور نکند و در این ارتباط با پژوهشگاه های مختلف ارتباط علمی و آموزشی داشته باشد (شاه محمدی، ۱۳۹۳).

تربیت معلم باید استعداد تربیت عناصر حرفه ای با ویژگیهای یادگیرندگی، پژوهندگی و توان مشارکت در صحنه خلق دانش حرفه ای یا همان تربیت معلم فکور را داشته باشد. این برنامه درسی باید به گونه ای فازبندی شده باشد که به سهم خود اجازه جذب بهترین ها به این حرفه حساس و خطیر را بدهد. این اتفاق مستلزم آن است که، اولاً، برنامه فرصت تشخیص بهترین ها از میان جامعه داوطلبان ورود به حرفه معلمی را از نظام آموزشی به طور سیستماتیک سلب ننماید و ثانیاً، جامعه داوطلبان از متقاضیانی تشکیل شده باشد که با آگاهی و درایت اطمینان بخشی قصد ورود به این حرفه را کرده باشند. همچنین باید در انتخاب معلم روشی به کار برد که مبتنی بر معیار ها و موازینی از نظر علمی معتبر و از حیث نتیجه قاطع و اطمینان بخش باشد تا از آن طریق بتوان همه ابعاد وجود متقاضی را متناسب با همه ضرورتها ی اشتغال در این حرفه ارزشیابی کرد و سر انجام از تلفیق از ویژگی های فردی، داوطلبان، شاخصها معتبری معین نمود و بر مبنای آن شاخصها، بتوان بهترین و شایسته ترین متقاضیان را به مراکز تربیت معلم معرفی کرد. (آقا زاده، ۱۳۸۳).

از آنجا که در آموزش و پرورش نقش نیروی انسانی بسیار با اهمیت است و معلم از مهمترین عوامل موثر در رشد و توسعه ی کیفی و محتوایی آموزش و پرورش به شمار می رود. لذا نباید مسئله گزینش معلم را به تصادف محول کرد و افرادی به مراکز تربیت معلم راه داد که فاقد شرایط کافی برای احراز این حرفه باشند. تربیت معلم به نوعی مرکز آموزش عالی گفته میشود که هدف آن تربیت و پرورش آموزگار برای سطوح مختلف آموزشی از دبستان تا دبیرستان است. (مشکانی، اکبری، فضائلی گاه، ۹۵). مهمترین عواملی که می توانند معلم را در رسیدن به اهداف عالی تربیت نیروی انسانی تعلیم و تربیت یاری رسانند به شرح زیر می باشد:

1- بهره مند شدن از آن ویژگی های روانی، عقیدتی و اخلاقی که با رسالت معلم و مربی تناسب داشته باشد و نفوذ آن ها را در جامعه به عنوان الگوی مطلوب و سرمشق آرمانی زندگی انسان ها بتوان تایید کرد

2- کسب دانش و اطلاعات کافی در حد لازم برای اشتغال به تدریس در هر رشته و هر مقطع تحصیلی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

3- کسب مهارت ها و آمادگی فنی برای به کار گرفتن روش مطلوب عرضه و انتقال اطلاعات و مهارت ها به صورتی که کلاس درس آموختن و یادگیری را برای آموزنده سهل و آسان کند و محیط مدرسه نوجوانان را به ارزش های تربیتی زمان سوق دهد .

4- آشنایی کامل او به روش های تدریس جهت ارائه یک تدریس موثر

5- آشنایی با اصول روان شناسی تربیتی و اصل تشویق و تنبیه در امر یادگیری

6- آگاهی کامل به شیوه های مختلف ارزشیابی جهت حصول اطمینان از بازده موفق فعالیت های آموزشی

7- توجه به شان و کرامت انسان ها در تدریس و ساختن انسان های توانمند، خلاق و متعهد تا در آینده جامعه با کار و تلاش فرزندان خود به جایگاه اصلی خویش برسد(فروزان کیا، ۱۳۹۲).

با توجه به اینکه وظیفه اصلی آموزش و پرورش ، تربیت معلمان برای هدایت و انسان سازی است و این امر مستقیماً به دانش آموزان یک جامعه بر می گردد، لازم است تا این قشر عظیم در جامعه بیشتر تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند. و متقابلاً معلمان نیز با بهره گیری از آخرین شیوه های تدریس ، آنها را در آموزشگاه ها به کار گیرند و در جهت افزایش بهره دهی و بهره وری تعلیم و تربیت کوشا باشند(طالبی، ۱۳۹۵).

نقش معلمان و راهکارهای مشارکت آنان در جهت سیاست گذاری و به کارگیری روشهای جدید در تدریس را می توان به موارد زیر تقسیم نمود:

الف) سیاستگذاری در نظام آموزشی آموزشی

ب) سیاستگذاری در برنامه های درسی

ج) سیاستگذاری در کلاس درس(همتی، ضرغام، حاجی زاده، عباسی، ۱۳۹۵).

سیاست گذاری در نظام آموزشی

سیاست گذاری آموزشی یکی از نخستین فعالیت های سیاست گذاری در حیطه اداره امور عمومی توسط دولت هاست، زیرا مبدأ جامعه پذیری و تحرک افراد جامعه به سوی دیگر سیاست ها به شمار می رود؛ حتی سیاست گذاری های فرهنگی که عامل محوری توسعه محسوب می شود، نقطه آغاز از سیاستگذاری های آموزشی است چون فرهنگ پذیری با آموزش شروع می شود.(نیاز آذری و دیگران، ۱۳۹۰، ۲۱۲).

گسترش فرهنگ مشارکت و مدیریت مشارکتی در مدارس. تحول در اهداف، ساختار روشها و کلیه اجزاء سیستم آموزشی به نحوی که پاسخگوی تغییرات باشند؛ ایجاد زمینه برای نوآوری و خلاقیت معلمان و دانش آموزان، کاهش دیوان سالاری اداری، حرکت به سمت عدم تمرکز و مدرسه محوری، توجه به مدیریت کیفیت در سازمان های آموزشی، حرکت از برنامه روزی به سمت برنامه ریزی و پرهیز از تقدیر گرایی، تبدیل سازمان های آموزشی به سازمان یادگیرنده، استفاده از فرا شناخت در آموزش. فراهم نمودن زیر ساخت های لازم برای استفاده از فن آوری های جدید، آموزش مسئولین، مدیران و معلمان و تربیت شهروندان جهانی از جمله سیاست هایی است که آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن باید دنبال نماید (جهانیان، محجوبی، ۱۳۹۰).

کارآمد کردن نظام آموزشی مستلزم برنامه ریزی و سیاستگذاری آموزشی بر مبنای واقعیات است. برنامه ریزی و تدوین سیاستهای آموزشی از جمله فرآیندهایی هستند که می توان به کمک آنها از منابع و امکانات کشور، بهره بهتری برد و نظام آموزشی را کارآمد کرد. برنامه ریزی آموزشی باید درباره مطلوبترین اقدام برای توسعه نظام آموزشی، پیشاپیش تصمیم گیری



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کند. در این چارچوب وقتی تصمیم خاصی مورد تأیید مقام های نظام آموزشی قرار می گیرد، به سیاست آموزشی تبدیل می شود.

سیاست گذاری در برنامه های درسی

برنامه درسی جوهره هر نوع آموزشی است که در ترکیب با روشهای موثر تدریس، کارآمدی و اثربخشی نظام آموزشی را تضمین می کند. از این روی تعیین ساختار بهینه نظام برنامه ریزی درسی و انتخاب و سازماندهی محتوا از جمله دل مشغولی های سیاستگذاران نظامهای آموزشی بوده است. (اکبری، نوید بخش، قایندری، ۱۳۹۵). تعریف سیاسی برنامه درسی و تدوین برنامه درسی نمی تواند از متون اجتماعی، فرهنگی و سیاسی چه در سطح ملی- محلی و چه در سطح بین المللی حذف گردد. بنابراین برنامه درسی در حال حاضر که حساسیت عمیق خود را به این موضوعات حفظ میکند، باید توسعه یابد. از سوی دیگر برنامه درسی یکی از پدیده های پیچیده ای است که هنگام سروکار داشتن با آن باید با چارچوب مناسبی وارد آن شد، زیرا پدیده برنامه درسی و تعیین حدود آن از بدو تولد یکی از چالش برانگیزترین مسائل مطرح شده توسط نظریه پردازان برنامه درسی بوده است (خاکباز و همکاران، ۱۳۸۹). فرآیند برنامه ریزی درسی و تربیتی باید زمینه مشارکت و تعامل مؤثر معلمان، دانش آموزان، خانواده ها و سایر گروه های ذینفع، ذریبط و ذیصلاح را در طراحی، تولید، اجرا و ارزشیابی برنامه ها فراهم نماید (مشکانی، اکبری، فضائلی، گاه، ۱۳۹۵). در عصر حاضر، جوامعی پیشرو و موفق هستند که بهتر فکر می کنند، در برخورد با مسائل راه حل های بهتری ارائه می دهند و با شیوه های موفقیت آمیز بر مسایل غلبه می کنند. پرورش عادات صحیح فکر کردن در یادگیرندگان، یکی از وظایف اساسی و مهم دست اندرکاران تعلیم و تربیت، به ویژه مولفان کتب درسی است. ایجاد شرایط مطلوب برای اندیشیدن، تحریک تفکر خلاق دانش آموزان و تشویق و راهنمایی یادگیرندگان برای کسب مهارت های صحیح تفکر و اندیشه و آموزش آفرینندگی و خلاقیت، از طریق کتب درسی انجام می گیرد؛ بنابراین برنامه ریزی درسی صحیح و حساب شده و تالیف کتب درسی مفید و سودمند می توانند در بالا بردن قوه خلاقیت شاگردان بسیار مؤثر باشند. این واقعیت نباید نادیده گرفته شود که در هر جامعه ای، تحولات و تغییرات سریع و فزاینده رخ می دهد و اگر نظام آموزشی نتواند توانایی حل مسایل ناشی از این تغییرات را به یادگیرندگان بیاموزد، به موفقیت آتی خود لطمه وارد کرده است. (مومنی مهوئی، ۱۳۸۸).

سیاست گذاری در برنامه های کلاسی

با توجه به اینکه در سیستم آموزش و پرورش کشور، ما برای انتقال رفتارهای مطلوب تربیتی هیچ راهی جز روش تدریس نمی شناسیم و هیچ مکانی جز کلاس درس هم در اختیار نداریم، لازم است که به نگرش جدید و تازه های به این مهم پرداخته شود کلاس درس باید میدان فعالیت و تجربه، محل به کارگیری عقل و اندیشه و صحنه تعامل فراگیران در موضوع درس باشد. در کلاس درس باید، فراگیران نظریه های علمی را مورد بحث و تبادل نظر قرار دهند و برای انجام این امر اولاً "معلمان باید خود واقف به نظریه ها باشند و ثانیاً میدان لازم برای تعامل و بحث بین فراگیران را ایجاد نمایند تا اندیشه فعال و تجربه های اشخاص، عامل ایجاد رفتار تربیتی گردد. در غیر این صورت کلاس درس بجای رشد متوازن شخصیت افراد در ابعاد مورد نیاز و بجای انجام تکلیف رشد که مورد نیاز هر دانش اموزی است، به محل انباشتن محفوظات تبدیل می شود و انباشتن محفوظات هیچ خاصیتی در رشد ابعاد شخصیتی فراگیران نخواهد داشت. (همتی، ضرغام، حاجی زاده، عباسی، ۱۳۹۵). با مطرح شدن کلاسهای درس مجازی، اینترنت، نظام های آموزشی دیگر در کنار آموزش رسمی نمی توان آنها را نادیده گرفت و صرفاً به مقابله



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

با آنها پرداخت، بلکه باید با تعیین مأموریت ها، چشم اندازها، اهداف کلان و خرد، می بایست از این نظامهای یادگیری مجازی حداکثر بهره برداری ارتقاء سطح کیفی و کمی مهارت های یادگیری و یادهی، کسب نمود و این امر مستلزم پویایی نظام آموزشی و توجه مسئولان و مدیران این نظام است (کدیور، ابراهیمی قوام، ۱۳۸۳). ما امروز نیازمند تغییر و تحول در شیوه های آموزشی در کلاس درس هستیم و نقش یک معلم بعنوان مجری این تغییر، بسیار اساسی است. مهمترین روشهای آموزشی در کلاس درس که باید توسط معلمان پیش بینی و بکارگرفته شود عبارتند از روش سخنرانی، روش بحث و روش آموزش گروهی. در تمام این موارد لازم است که معلم برای اداره کلاس و موفق بودن در تدریس نه تنها بر موضوع درس تسلط کافی داشته باشد بلکه برای آموزش مفید و پر ثمر، هنر و مهارت انتقال و تفهیم موضوع و چگونگی ایجاد ارتباط و تعامل و هدایت فعالیت ها و بحث های کلاسی را به صورت مطلوب داشته باشد. دانش آموزان باید در کلاس به طور فعال شرکت داشته باشند، سوال کنند، به پرسشها پاسخ دهند، اظهار نظر کنند و در فرآیند یادگیری شرکت کنند. به عبارت دیگر از طریق کنفرانسهای دانش آموزی، مباحث کلاسی و مشارکت در امر تدریس، طرح نظریات علمی توسط دانش آموزان، شنیدن نظریات و انتقادات دوستان، نقد و ارزیابی این نظریات با دلیل و منطق، حوصله نمودن در گوش دادن به نظریات صاحب نظران و ... (همتی، زرغام، حاجی زاده، عباسی، ۱۳۹۵).

توسعه حرفه ای معلمان

توسعه حرفه ای نوعی چاره اندیشی بهتر برای معلم هایی است که مدام به پیشرفتهای آموزشی و عملکرد مطلوب می اندیشند. توسعه حرفه ای فرایند کسب دانشها، مهارت ها و نگرش هایی است که باعث افزایش شایستگی و اثربخشی حرفه ای کارکنان می گردد. ابزارهای ارزشمندی را برای سنجش و تشخیص نیازهای عاطفی، اجتماعی، فنی و علمی فراهم می آورد تا معلمان تجربیات غنی و نتیجه بخشی را خلق کنند. (برکسون، ۲۰۰۳). با در نظر گرفتن این تغییرات شگرف و گسترده در دنیای کنونی، تمام سیاست گذاران، برنامه ریزان و دست اندرکاران و به خصوص صاحب نظران تعلیم و تربیت اذعان می دارند که آموزش و پرورش، تنها راه حل یا لاقل بهترین راه حل مسائل دشوار و بغرنج جوامع بشری است. آموزش و پرورش، یکی از مهم ترین راه های هماهنگ شدن با دنیایی است که هر روز اختراعات و اکتشافات تازه علمی، ادبی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را مشاهده می کند. در این میان، آموزش معلمان و به روز درآوردن اطلاعات علمی آن ها امری بسیار ضروری است؛ زیرا معلم بزرگ ترین و مهم ترین سرمایه جامعه نیروی انسانی را تربیت می کند. در دنیای امروز، حجم، تنوع و عمق توقعات و انتظارات مرتبط با نظام آموزش و پرورش، آن چنان است که نظام مذکور، با شرایط، امکانات، روش ها و نیروی انسانی فعلی به هیچ وجه نمی تواند از عهده رسالت خود بر آید. نظام آموزش و پرورش باید متحول شود و تغییراتی بنیادین و اساسی در آن به وجود آید. اصولاً هیچ سازمان و نهادی نمی تواند هدف هایی معقول اتخاذ کند و کار اثر بخشی در جهت تحقق آن هدف ها انجام دهد، مگر آن که تمامی اعضایش، از صدر تا زیر، مفروضات خود را درباره آینده، مورد تجزیه و تحلیل و بازنگری جدی قرار دهند تا بتوانند آن را بر اساس واقعیات اصلاح کنند (پرداختچی، ۱۳۹۰).

توسعه حرفه ای یک فعالیت برنامه ریزی شده است، که عملکرد حرفه ای معلم را بهبود بخشیده تا بتواند در زمینه های زیر فعالیت کند: ۱ - دستیابی به فرصت های برابر برای خواندن و توسعه در ارتباط با محدوده موضوعی و ماهیت تدریس و یادگیری. ۲ - ملاقات با همقطاران یا مشاوران برای دستیابی به اهداف شغلی به عنوان یک دیدگاه بهتر از عملکرد تدریس. ۳ - کار با همقطاران برای گسترش مهارتهای جدید و حل مساله در موقعیت های ویژه. ۴ - داشتن



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تعهد مربی در مبادله برنامه‌های آموزشی. ۵ - هدایت تحقیق عملیاتی فراگیران. ۶ - پیگیری تغییرات و ارائه بازخوردهای لازم به برنامه. ۷ - مشارکت در کارگاه‌های آموزشی یا کنفرانسها و پی گیری نتایج آنها برای کاربرد در کلاس درس. ۸ - مشارکت در برنامه‌های بهبود شغلی مربیان. ۹ - نوشتن یا ارائه شفاهی نظریات و عقاید در ارتباط با بهبود کیفیت تدریس. توسعه حرفه‌های مربیان، مدیران و کارکنان یک نقش حیاتی در کوششهای اصلاحی مراکز بازی میکند. بنابراین اگر کوششهای اصلاحی می‌خواهند موفق شوند، باید وقت بیشتری به یادگیری مربیان و برنامه‌های آن اختصاص دهند (هاولی ۲۰۰۵).

اصول سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش

امکانات و محدودیتهای هر کشوری با توجه به زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی متفاوت است و ترسیم آینده هر کشور الزاما با کشورهای دیگر یکسان نیست، اما در حوزه جهانی سازی، همه جوامع سعی در توسعه همه جانبه دارند. علی‌الصول جامعه بین الملل نیز می‌کوشد تا کشورها، توسعه همه جانبه و درون‌زا بیابند. منظور از توسعه درون‌زا: تکیه بر خود و پیروی از ویژگیهای ملی و بومی است. «از این رو مسئولیت سیاستگذاران در زمان حال نسبت به گذشته سنگین تر است، زیرا در گذشته دستورالعمل مشخصی برای برنامه ریزی موجود بود. در چارچوب جدید باید با شناخت دقیقتر از ویژگیهای فرهنگی و اعتقادی توده‌های مردم عمل کرد تا راهبردی برگزیده شده برای توسعه کشور، با موفقیت به اجرا درآید (مشاوران یونسکو، ۱۳۸۱). با توجه به توسعه درون‌زا، سه واقعیت موجود، با اهمیت تشخیص داده شده اند؛ واقعیت اول: چارچوبهای فکری برای برنامه ریزی آموزشی همچون چارچوب‌های شواب (۱۹۶۴) است. واقعیت دوم: شواهد تجربی در خصوص افت و خیز سیاست‌گذاری است. واقعیت سوم: الگوهای موجود سیاست‌گذاری می‌باشد.

۱- رویکرد بوم‌شناسی به آموزش و پرورش: این گرایش، به آموزش و پرورش به عنوان یک نظام و شبکه‌ای از عوامل تاثیرگذار بر یکدیگر که شکل دهنده موقعیت و محیطی است که آموزش در آن اتفاق می‌افتد توجه می‌کند.

۲- رویکرد شواب به سیاست‌گذاری آموزش و پرورش: (شواب) به حضور نمایندگان متفاوت، حتی موارد مشترکی که باید از نظر برنامه ریزان مورد توجه قرار گیرد (موضوع درسی، دانش آموز، معلم و محیط) و یا به عبارت دیگر: هر موضوعی که به برنامه ریزی آموزشی مربوط می‌شود، در فرآیند سیاست‌گذاری اعتقاد داشت. این نگاه، شرکت‌کنندگان ایده آل، حالت الزام برای بررسی و تبادل نظر و احتیاج به همکاری در بسیاری از سطوح را دربر می‌گیرد.

۳- چشم انداز بیانیه‌های سیاسی به منظور داشتن قابلیت‌های اجرایی منعطف: سیاست اصلی اتخاذ شده ممکن است برای موقعیتهای مختلف مناسب نباشد آگاهی یافتن و درک قابلیت و توانایی سیاست در مقایسه با پتانسیل برنامه درسی (بن پرتز، ۲۰۰۹) به این معناست که توصیه‌ها سیاسی ممکن است برای اینکه با یک موقعیت محلی خاص متناسب شوند، به جرح، تعدیل و تطابق با آن محیط نیاز داشته باشند. برای مثال: معلمان به هنگام اجرای سیاستی مثل آشنایی با فناوری روز، که نیازمند رایانه برای هر دانش آموز است، در مدرسه‌ای که چنین امکاناتی ندارد، باید از راهها و روشهای متفاوتی برای آشنا نمودن دانش آموزان با فناوری استفاده کنند.

این سه اصل، در الگوی کل‌گرایانه سیاست‌گذاری، در پاسخ به ابعاد اصلی تغییر جهانی شکل می‌گیرد. الگوی ارائه شده، سه قلمرو اصلی آموزش و پرورش را با هم مرتبط می‌سازد و نمایندگان جنبه‌های مختلف تغییرات جهانی را به صورت همکار، در



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کنار یکدیگر و معاضد قرار می دهد تا به این ترتیب یک سیاست مشارکتی و همیارانه اتخاذ شود و در عین حال، آزادی هر فرد برای سازگاریهای محلی محفوظ بماند. (ملکی، خسروی، نبیسی نیا، ۱۳۹۵).
فرایند سیاستگزاری در نظام آموزشی:

فرایند سیاستگزاری در این خصوصیتی به شرح ذیل می باشد:

بخشی بودن: به این معناکه به بخش های مشخص تقسیم شده است که به هر یک از آنها می توان به صورت جداگانه پرداخت و سپس به صورت یکجا همه را مورد مطالعه قرار داد.
لایه ای بودن: هر مرحله از فرایندتشکیل دهنده یک لایه است.
مرحله ای بودن: لایه های مختلف دارای مراحل از پیش تعیین شده هستند.
اشتراکی بودن: فرایند بستگی به تعامل و همکاری و هماهنگی دارد که منعکس کننده "رنگین کمان ائتلاف" صداهای موجود است.

حلقوی بودن: سیاستگزاری دارای سلسله مراتبی است که در آخرین مرحله به سیاست گذاری می انجامد و به صورت چرخه ای یا حلقوی رشد می کند (نادری و دیگران، ۱۳۹۵، ۲۴۱).

آنچه در سیاستگزاری آموزشی از آن سخن می رود عبارت است از مشخص کردن خط مشی کلی و یا یک سری اصول و کنش های مرتبط به امور آموزشی - اعم از نظام یا غیر رسمی آموزش - که بر اساس اهداف مطلوب و مورد نظر سیاست گذاران دنبال شده یا بایستی پیگیری شود و یا حداقل مورد انتظار می باشد. این اصول و سیاست ها مقدمه ای است برای فعالیت برنامه ریزان آموزشی که در تمام سطوح آموزشی اعم از ابتدایی، متوسطه، تربیت معلم، آموزش عالی، آموزش غیر رسمی و حتی کارآموزی ها آن را چراغ راهنما برای خود قرار می دهند (نیاز آذری و دیگران، ۱۳۹۰).

نتیجه گیری

آموزش و پرورش به عنوان ستون اصلی توسعه اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی هر جامعه محسوب می شود. وجود برنامه ها و برنامه ریزی در بخش های مختلف از جمله بخش آموزش برای پیشرفت و توسعه کشور امری ضروری است؛ زیرا تنها با تدوین و اجرای برنامه های هوشمند می توان به نابسامانی ها پایان داد و شرایط زندگی مادی و معنوی را بهبود بخشید. برای ارائه مدل سیاستگزاری در آموزش و پرورش، باید فرایند سیاستگزاری را به عنوان یک سیستم متشکل از درون داد، میان داد، برون داد، بازخورد، و سیستم های احاطه گر در نظر گرفت. آموزش و پرورش، یکی از مهم ترین راه های هماهنگ شدن با دنیایی است که هر روز اختراعات و اکتشافات تازه علمی، ادبی، فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی را مشاهده می کند. در این میان، آموزش معلمان و به روزرسانی اطلاعات علمی آنها امری بسیار ضروری است؛ زیرا معلم بزرگترین و مهم ترین سرمایه جامعه، نیروی انسانی را تربیت می کند. در آموزش و پرورش، نقش نیروی انسانی بسیار مهم است و معلم از مهم ترین عوامل موثر در رشد و توسعه کیفی و محتوایی آموزش و پرورش به شمار می رود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع

۱. اکبری ، احمد ،مشکانی،علیرضا ،فضائلی گاه، حسین،۱۳۹۵، عوامل و ذینفعان موثر در آموزش و پرورش، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری دوره ۲، شماره ۳، پاییز ص ۴۴-
۲. آقا زاده ، احمد،(۱۳۸۳)، آموزش و پرورش در کشورهای پیشرفته صنعتی (آلمان و انگلیس): از سلسله مطالعات و بررسی ها در باب آموزش. چاپ اول
۳. جهانیان، رمضان؛ (۱۳۹۱) بررسی و تحلیل سیاست های توسعه ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۹
۴. جهانیان، رمضان؛ محجوبی، ستاره؛(۱۳۹۰) سیاست های آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۶
۵. خاکباز عظیمه سادات، مهرمحمدی محمود، موسی پور نعمت اله(۱۳۸۹) بررسی برنامه درسی میان رشته ای در آموزش عالی از منظر چگونگی تغییر آن در سطوح مختلف برنامه درسی (مورد مطالعه: برنامه درسی کارشناسی ارشد رشته آموزش ریاضی). دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۴، شماره ۴، صص ۴۱-۱۳
۶. رون، سید امیر (۱۳۹۱) در ضرورت، ارتقا جایگاه اجتماعی معلمان، مجله رشد معلم
۷. شاه محمدی، نیره، ۱۳۹۳، صلاحیت ها ها و شایستگی های آموزگار عصر حاضر، رشد آموزش ابتدایی ، دوره هجدهم ، شماره ۱.
۸. طالبی، بهنام ،سید نظری ،نیر،سودی ،حورا،،۱۳۹۶، ارائه مدل ادراکی سیاستگزاری در آموزش و پرورش ایرانمجله رهیافت ، شماره ۶۵ بهار ۹۶ فروزان کیا، مریم،(۱۳۹۲)، روزنامه کیهان
۹. قائدی، وهاب، رستمی، شهلا، محمدی ،شهناز، ۱۳۹۴، سیاست گذاری در نظام های آموزشی، کنفرانس ملی آینده پژوهش علوم انسانی و توسعه ، شیراز مهرماه
۱۰. کدیور، پروین ؛ ابراهیمی قوام، صغری ؛(۱۳۸۳) جهانی شدن و تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت
۱۱. ملکی ،حسن ، خسروی، محبوبه، نیسی نیا، علی، ۱۳۹۵، مفاهیم آسیبشناسی سیاستگزاری برنامه درسی، دومین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات مردادماه ۱۳۹۵
۱۲. مومنی مهوئی، محسن،(۱۳۸۸)، به سازی برنامه درسی آموزش عالی، مجله راهبردهای آموزش، دوره ۲، شماره ۳، ۱۲۱-۱۲۶ ص
۱۳. نادری، ناهید؛ نوروزی، رضاعلی؛ سیادت، سید علی؛ (۱۳۹۵) سیاستگزاری در آموزش و پرورش، اصفهان، انتشارات یارمانا
۱۴. نیاز آذری، کیومرث؛ اسماعیلی شاد، بهرنگ؛ ربیعی دولابی، مجید؛ (۱۳۹۰) سیاستگزاری و فرآیند خط مشی عمومی در نظام آموزشی، قائم شهر، انتشارات مهرالنبی
۱۵. وادی و دمسکی، تری (۱۳۸۸). فرایند برنامه ریزی - سیاستگزاری در آموزش و پرورش، ترجمه غلامرضا گرایبی نژاد و رخساره کاظم. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کش



۱۶. همتی ،امیر، ضرغام، آرزو، حاجی زاده، فاطمه ، عباسی، زهرا، بررسی تطبیقی نقش معلمان در سیاست گذاری آموزش و پرورش و نظام تربیت معلم، مردادماه ۱۳۹۵

17. Ben-Pertz, M. 2009. policy making in education : Approach in response to Global changes. United States of America, Rowman & Littlefield Education
18. Brikland, Thomas 2010. An Introduction to the Policy Theories Concepts, and Models of Public Policy Making, Third, M.E. Sharpe
19. Denscombe M. 2010. Good Research Guide: For small-scale social research projects (4th Edition). Open University Press. Berkshire, GBR
20. Marie-Pierre Oreaux a., Simon Brownhill. 2017. Teachers and educational policies: Negotiating discourses of male role modelling
21. Hovlloway J. 2005. The Beneficial Effects of Mentoring Educational 58(8) pp. 85-86.
22. Weale, S. (2015, October 13). Boys trail girls in literacy and numeracy when starting school. The Guardian. Retrieved September 19, 2016, from
23. school. The Guardian. Retrieved September 19, 2016, from